

**The role of Sarkar Faiz Athar Razavi in the legitimacy of religious beliefs
of the Safavids**

Mahmoud Rashidi ¹ / Hasan Zandieh ² / Ali Agha Noori ³

(DOI): [10.22034/mte.2023.15020.1678](https://doi.org/10.22034/mte.2023.15020.1678)

Abstract

Original Article

P 185 - 205

During the Safavid period, "Sarkar faiz Athar", generally blessed holy places; Like the Razavi shrine and specifically; It refers to the person who has the dignity the 8th Imam. According to the existential philosophy of the Safavids and their claim of sovereignty, they used this position to prove their legitimacy, which increased the importance of "Sarkar faiz Athar Razavi" by allocating many endowments. Although this position was not official, it was supervised by the king and it was administered by one of the elders who had a prominent scientific, religious and political position. In this article, an attempt is made; Based on Alport's theoretical framework, which believes that all major religions of the world bring a kind of worldview to their followers and its value system has an impact on all aspects of life, to examine the issue of how importance, function and inclusive circle did Sarkar Faiz Athar Razavi have in this era. The findings of this research indicate that "Sarkar faiz Athar Razavi", in addition to gaining legitimacy, played a significant role in the convergence and religious and social cohesion of Twelver Shiism in this period and had a great impact on the life of the society of that time, which is described and analyzed by descriptive and analytical method and based on library, archival and documentary sources.

Key words: Sarkar Faiz Athar Razavi, Safavids, legitimacy, religious orientation, Mashhad.

1 - PhD student of the history of Shia studies, Qom University of Religions and Sects, Iran. mreza2020@gmail.com

2 - Associate Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran. Zandiyehh@ut.ac.ir

3 - Associate Professor, Department of History and Shia Sects, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Sects, Qom. aghanoori@religionsin.com

Received: 2023/01/08 | Accepted: 2023/06/27



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

نقش سرکار فیض آثار رضوی در مشروعیت باورهای مذهبی صفویان

محمود رشیدی^۱ | حسن زندیه (نویسنده مسئول)^۲ | علی آقا نوری^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/mte.2023.15020.1678](https://doi.org/10.22034/mte.2023.15020.1678)

علمی - پژوهشی

ص: ۲۰۵/۱۸۵

چکیده

در دوره‌ی صفویه «سرکار فیض آثار»، به‌طور عام به اماکن مقدس متبرکه؛ همانند حرم رضوی و به‌طور خاص؛ به شخص صاحب کرامات امام هشتم علی ابن موسی الرضا^(ع) اطلاق می‌گردید. با توجه به فلسفه‌ی وجودی صفویان و ادعای سیادت که داشتند، آن‌ها، از این منصب جهت اثبات مشروعیت خود استفاده می‌کردند، که با اختصاص موقوفات فراوان، بر اهمیت «سرکار فیض آثار رضوی»، افزوده شد. این منصب اگرچه، جنبه‌ی رسمی نداشت، ولی از سوی شاه نظارت می‌شد و تولید آن با یکی از بزرگانی بود، که از موقعیت برجسته‌ی علمی، مذهبی و سیاسی، برخوردار بود.

در این مقاله، تلاش می‌شود؛ مبتنی بر چارچوب نظری آلپورت که معتقد است: تمام ادیان بزرگ دنیا نوعی جهان بینی را برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند و نظام ارزشی آن روی تمام وجوه زندگی آنان تاثیرگذار است، این مساله را بررسی کند، که «سرکار فیض آثار رضوی»، در این دوره چه اهمیت، کارکرد و دایره شمولی داشت؟

یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است، که «سرکار فیض آثار رضوی»، علاوه بر کسب مشروعیت، نقش بسزایی در راستای هم‌گرایی و انسجام مذهبی و اجتماعی تشیع اثنی عشری، در این دوره ایفا کرد و تاثیر زیادی در زندگی جامعه آن روزگار داشت، که با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، آرشیوی و اسنادی تبیین خواهد گردید.

کلید واژه‌ها: سرکار فیض آثار رضوی، صفویان، مشروعیت، جهت‌گیری مذهبی، مشهد.

۱ - دانشجوی دکتری تاریخ شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران. mreza2020@gmail.com

۲ - دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Zandiyehh@ut.ac.ir

۳ - دانشیار، گروه تاریخ و فرقه‌های تشیع، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم. aghanoori@religionsin.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶



مقدمه

با بررسی منابع این دوره و در نظر گرفتن شرایط سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی پیداست، که صفویان ابتدا تنها با اتکا، به نیروی نظامی نمی‌توانستند، پایه‌های حکومت خود را مستحکم کنند. هوش‌مندی آنان در این بود که از مذهب به‌عنوان ابزاری کاربردی در راستای نیل به اهداف خود استفاده کردند. در همین راستا، توجه به اماکن متبرکه، مورد توجه جدی واقع گردید و با استفاده از وقف رونق یافت و رویکرد دینی حاکمان و کارگزاران حکومت صفوی سبب توجه فزاینده به «سرکار فیض آثار» شد و سرآغاز فصل نوینی را در بازسازی اماکن مقدس مذهبی رقم زد که از مهم‌ترین اماکن متبرکه‌ی این دوره حرم رضوی بود.

شاه اسماعیل اول با اعلام تشیع اثنی‌عشری در سال ۹۰۷ ق، به‌عنوان مذهب رسمی ایرانیان، با اصل پیروی از امامان معصوم^(ع)، آن مذهب، را مذهب قاطبه مردم ایران معرفی کرد. (نویسنده نامعلوم، ۱۴۰۰: ۱۶۱) هر چند در ابتدا مردم از مسایل مذهب جعفری و قوانین امامان اثنی‌عشری اطلاعی نداشتند؛ چرا که از کتاب‌های فقهی امامیه چیزی در میان و در دسترس مردم نبود. (روملو، ۱۳۸۴: ۲، ۹۷۷)

شاه اسماعیل، در شرایطی به قدرت رسید که تسامح در امور مذهبی، دیگر جایگاهی نداشت. (بیات، ۱۳۳۸: ۳۴) هرچند، صفویان، از میراث‌پیدایش و تشکل تشیع دوازده‌امامی در دوره‌ی قبل از خود نیز، برخوردار بودند. بنابراین، پیش از آن‌که جایگاه موسس داشته باشند، در روند تحول و به‌ویژه محتوای مناسک و آیین‌های تشیع اثر گذاشتند و به تکامل و پیچیدگی آن افزودند. (رنجبر، ۱۳۹۰: ۴) البته حاکمان صفوی با یک روش نوین، تمسک به خواب و رویا، اقدامات خود را در راستای جهت‌گیری مذهبی توجیه و تفسیر می‌کردند. ملاقات شاه اسماعیل با حضرت صاحب‌الامر و خواب شاه طهماسب در همین راستا ارزیابی می‌گردد. (نویسنده نامعلوم، ۱۳۶۳: ۶۴؛ شاه طهماسب، ۱۳۴۳: ۳۰ - ۳۱)

این اقدامات برای باور پذیر کردن اعمال مذهبی حاکمان صفوی و کسب مشروعیت از امامان معصوم^(ع) در اماکن مقدس روی می‌داد و این مساله ناشی از تقدس و جایگاه «سرکار فیض آثار»، در میان حاکمان صفوی، کارگزاران حکومتی و مردم بوده است.

علاوه بر این، برای تاکید بر مشروعیت خود، با بهره‌گیری از نظریه سیاسی تشیع اثنی‌عشری که بر غاصب بودن حاکمیت غیر امام و یا نایب امام، در زمان حضور اصرار داشت؛ تلاش کردند، تا در عین حال خود را وارث حکومت امام غایب معرفی کنند؛ تا ادعای سیادت آنان به‌لحاظ نظری زمینه را برای مشروعیت چنین درخواستی فراهم کند. (صفت گل، ۱۳۸۸: ۲۶) از طرف دیگر، توجه به سادات پرنرنگ‌تر گردید. (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۹۸ - ۳۹۹) و مقرری ویژه تحت عنوان «وظیفه» برای آنان در

نظر گرفته شد (محبوب فریمانی، ۱۳۹۷: ۸۷) و در برخی موارد قریبه‌هایی به آنان واگذار گردید. (سند ۶۶۵ ب، ۴ الف، را، کتاب‌خانه دیجیتال ملی) از آن‌جا که یکی از پایه‌های مبانی مشروعیت صفویان در سیاست‌نامه‌های این دوره،^۱ تاکید بر نسب مشترک پادشاهان صفوی با امامان معصوم و اطهار^(ع) است، این گونه اقدامات و توجه ویژه به «سرکار فیض آثار رضوی» را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

نظم سلطانی و ادعای جانشینی امامت یکی از مهم‌ترین مبانی مشروعیت این سیاست‌نامه‌هاست که در نسب مشترک و در سرکار فیض آثار رضوی بروز و ظهور پیدا می‌کرد. نوآوری این نظریه در تلفیق و نزدیکی تلقی ایرانی از پادشاه که در فقه شیعه رسمیت نداشت و غاصب تلقی می‌شد با این اقدام به‌عنوان وارثان امامان معصوم^(ع) که دارای نسب مشترک بودند مشروع تلقی و حاکمان صفوی با تقویت مبانی اعتقادی و ایجاد زمینه‌های مختلف توجه مردم به امام هشتم بر این زمینه‌ها تاکید کردند که آنان با امام رضا^(ع) دارای یک نسب مشترک هستند. هدف صفویان از این کار، انتساب خاندان صفوی به امامان اهل بیت^(ع) و به‌خصوص، امام هشتم حضرت علی ابن موسی الرضا^(ع) و انتشار ادعای سیادت بود، که باعث مشروعیت می‌شد و «سرکار فیض آثار رضوی» مهم‌ترین و قابل دسترس‌ترین امکان برای توجیه و انتشار جهان بینی شیعی حاکمان صفوی بود که راه آنان را برای دستیابی به اهداف خود هم‌چنین رضایت خاطر آنان را به همراه داشت و زمینه را برای از میان برداشتن مخالفان مذهبی هموار می‌کرد.

۱. پیشینه

«سرکار فیض آثار»، یکی از مناصب غیر رسمی حکومتی، در دوره‌ی صفویان بود، که با وجود اهمیت فراوان، کمتر در کانون توجه پژوهش‌گران واقع شده است. در نهایت، در چند مقاله، با عناوین مشابه مطالعاتی را در این زمینه انجام شده است. مقاله‌ی «سیاست مذهبی صفویان و پیامدهای آن بر توسعه موقوفات حرم امام رضا» (طلایی، ۱۳۹۷) به‌طور کلی، بررسی موقوفات را در کانون اصلی مطالعات خود قرار داده است و واقفان حرم رضوی و طبقه‌ی اجتماعی آنان را مورد توجه قرار داده و نتیجه‌ی این اقدام صفویان، را باعث گسترش و توسعه‌ی آستان قدس رضوی می‌داند. مقاله‌ی دیگری نویسنده با عنوان «تأملی در اصطلاح سرکار فیض آثار»، (طلایی، ۱۳۹۷)، به بررسی و کاربرد اصطلاح «سرکار فیض آثار» صرفاً از دیدگاه اسناد می‌پردازد.

مقاله‌ی دیگری، با عنوان «جایگاه حرم رضوی در سیاست مذهبی صفویان»، (مطهری، ۱۳۹۸)

۱. ر. ک: روضه الانوار عباسی، رساله آئینه شاهی و قواعد سلطانی.

با توجه به مقوله‌ی زیارت از حرم رضوی، به بررسی موقوفات آستان قدس رضوی می‌پردازند. علاوه بر مقالات یاد شده، در منابع اولیه‌ی عصر صفوی به‌طور کلی اصطلاح «سرکار فیض آثار» به شکل‌های مختلف مشاهده می‌گردد. در این مقاله تلاش می‌گردد: با ارایه چارچوبی مشخص به نقش و اهمیت «سرکار فیض آثار رضوی» و تاثیر آن، بر مشروعیت صفویان هم‌چنین اقدامات آنان در این زمینه، با استفاده از الگوی جهت‌گیری مذهبی آلپورت پرداخته شود.

۲. چارچوب نظری

در راستای گفتمان پیدایش صفویان به‌کارگیری چارچوبی که بتوان با استفاده از آن به علل و انگیزه‌های رفتار حاکمان صفوی دست یافت و اعمال مذهبی آنان را سنجید، بسیار مهم است. طبق نظریه جهت‌گیری مذهبی آلپورت،^۱ تمام ادیان بزرگ دنیا نوعی جهان بینی برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند. (بلوردی، زهیر و غیوری، ۱۳۹۲: ۶۲) از منظر آلپورت، نظام ارزشی روی تمام وجوه زندگی تاثیرگذار است و همه‌ی نگرش‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بدین ترتیب، فرد از نام مذهب و مناسک مذهبی به‌منظور رسیدن به مقام، کسب مقبولیت، بالا بردن اعتماد به نفس یا توجیه اعمال استفاده می‌کند. حاکمان صفوی با درک این مقوله، به مرور دریافتند، که گرایش‌ها و مناسک مذهبی، تاثیر مثبتی بر سازماندهی و انسجام اجتماعی دارد. بنابراین، به تقویت شعائر دینی پرداختند و در همین راستا، با استفاده از ظرفیت‌های بالای «سرکار فیض آثار»، به توسعه و تجهیز اماکن متبرکه اقدام و در راستای تسهیل زیارت و برگزاری مراسم مذهبی، سیاسی و فرهنگی در این مجموعه‌ها تلاش کردند. آنان با استفاده از جهت‌گیری مذهبی، گام‌های بلندی را در راه توسعه مذهب تشیع و مناسک عبادی برداشتند و خود را به‌عنوان نمایندگان بلافصل امام عصر خطاب کردند.

از طرف دیگر، آنان برای این‌که به حکومت خود جنبه‌ی روحانی و مشروعیت ببخشند، علاوه بر تمسک به نسب مشترک با امامان و به‌خصوص، «سرکار فیض آثار رضوی»، بر زیارت مشهد تاکید داشتند. حتی در نزاع‌ها و کشمکش‌ها در مواجهه با دشمنان خود در شرق، اقداماتی را در جهت استمداد از روح مطهر امام رضا طلب می‌کردند. (جنابدی، ۱۳۷۸: ۵۹۴) بدین منظور، حاکمان صفوی سیاست‌های خود را بر اساس جهت‌گیری مذهبی در مواجهه با دشمنان سنی توجیه و مشروعیت می‌بخشیدند.

^۱ Alport

اهمیت این دیدگاه در حاکمیت صفویان، از دید منابع این دوره دور نمانده است؛ نصیری درباره علل سقوط صفویه، به از میان رفتن کامل هسته مرکزی عقاید مربوط به سلطنت متکی به مذهب بدون جایگزین کردن اندیشه و اعتقاد موثر دیگر، اشاره می‌کند. (نصیری، ۱۳۷۳: ۴۱) بدین ترتیب، جهت‌گیری مذهبی صفویان علاوه بر مشخص کردن چارچوب و استراتژی حکومت آنان در قلمرو ایران، منجر به تعیین خط مشی داخل و خارج گردید و کشورهای همسایه را نسبت به آنان وادار به واکنش کرد. این نگرش در واقع قسمت اصلی همه راهبردهای سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی پادشاهان صفوی بود که در شرایط مختلف به تناسب برخی سیاست‌ها، در اولویت قرار می‌گرفت. در مجموع، تلقی صفویان یک جهان بینی شیعی بود که رضایت آنان را به همراه داشت و همواره شیعیان در اولویت قرار داشتند و حاکمیت نوعی پیوند ناگسستنی با «سرکار فیض آثار رضوی» در راستای مشروعیت زایی برای خود ایجاد کرد و به‌عنوان یک قطب قدرت‌مند دینی در برابر دنیای اهل سنت، صف آرایی کرد.

۳. مفهوم‌شناسی

برای درک بهتر «سرکار فیض آثار» ابتدا این واژه، بررسی می‌شود:

۱.۳. سرکار فیض آثار

«سرکار فیض آثار» از دو کلمه‌ی مستقل تشکیل شده است؛ «سرکار» و «فیض آثار» که هر کدام به‌صورت تنهایی دارای معنای متفاوتی هستند و در صورت ترکیب معنای خاصی از آن مستفاد می‌شود. **الف.** معنای لغوی سرکار: «سرکار» به‌معنای «کسی که در رأس قرار دارد؛ کارفرما، کلمه‌ای که به‌عنوان احترام اشخاص گویند.» (معین، ۱۳۵۵: ۶۰۶)

هم‌چنین این واژه چنین توصیف شده است:

«کارفرمای در کاری، صاحب اهتمام کاری، عنوانی است مانند جناب و حضرت. یکی از القابی که در تعظیم و تکریم شخص استعمال می‌کنند؛ عنوان نظامیان تا سرهنگ، ناظر، مباشر، کارگزار، عنوانی احترام‌آمیز که در خطاب به افراد می‌گویند. سرکار خانم و سرکار آقای.» (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲، ۱۶۸۲)

ب. مفهوم اصطلاحی «سرکار»: به علاوه، واژه‌ی «سرکار» در اصطلاح و تشکیلات نظامی کاربرد، داشت؛ چهار واحد نظامی یعنی «سرکار قورچی»، «سرکار غلامان»، «سرکار تفنگچی باشی» و «سرکار توپچی» معمول بود. (سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۶ - ۳۸) در منابع دیگر، از عنوان «سرکار پادشاه» استفاده شده

است. (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴۱) «سرکار سلطنت پادشاهی» و «سرکار پادشاهی» در نقاوه الآثار ذکر شده است. (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۴: ۳۱۱ و ۱۸۴) خواند میر «سرکار شاهی» و «سرکار خاصه» به کار برده است. (خواند میر، ۱۳۷۰: ۷۶ و ۱۱۸) در برخی منابع دیگر، عنوان «سرکار» به معنای یک مقام رسمی و انتصاب افراد به کار رفته است. (حسینی تفرشی، ۱۳۸۸: ۱۴۱؛ جنابدی، پیشین: ۵۹۱) بنابراین، این واژه‌ی مذکور، در دوره‌ی صفویان، با هر دو مفهوم، رییس و مسؤول با جنبه‌ی احترام‌آمیز، در منابع مورد استفاده واقع شده است و در اغلب منابع، این واژه همراه با القاب و پسوندهای احترام‌آمیزی، آمده است.

۲.۳. فیض آثار

این کلمه از واژه‌ی «فیض» و «آثار» ترکیب شده است. «فیض» در اصطلاح به معنای بسیار شدن آب چندان که روان گردد، لبالب رود، بسیاری آب، ریزش، بخشش و عطا است. «آثار» هم جمع اثر و به معنای نشانه‌ها و چیزی که نمود بیرونی دارد و دیده می‌شود، (معین، پیشین: ۵۰۵) به کار می‌رود. هم‌چنین واژه‌ی «فیض آثار» در دوره‌ی قبل از صفویان، در برخی موارد به معنای صاحب بخشش و کرامت، کاربرد فراوان داشته است. این اصطلاح در ترکیب‌های متفاوتی همانند، «مزار فیض تاثیر»، «گنبد فیض آیین»، «ضمیر فیض آثار»، (خواند میر، ۱۳۷۰: ۴، ۳۷۴ - ۳۷۵، ۴۸۳، ۴۹۵ و ۳۸۷) «فیض اثر» و «دیار فیض آثار» مشاهده می‌شود. (نویسنده نامعلوم، ۱۳۶۳: ۴۴۹؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۱، ۱۳۹) هم‌چنین با عباراتی همانند «خاطر فیض»، «امداد فیض» قابل مشاهده است. (خواجگی اصفهانی، ۱۳۵۸: ۸۷ - ۸۹؛ خواند میر، پیشین: ۴، ۳۰۳)

بنابراین، اصطلاح «فیض آثار» همانند «سرکار» ابتدا جنبه‌ی احترام‌آمیز داشته و در موارد متعددی برای اماکن متبرکه، هم به کار رفته است. در ادامه، با شکل‌گیری سازمان‌های مستقل «سرکار» برای آستانه‌های مقدس هم‌چون: آستانه امام رضا^(ع) اصطلاح «فیض آثار» در بیان و ثبت اداری در مفهوم احترام‌آمیز، استفاده شده و به مرور زمان، جزوی از آن واژه، شده است. هم‌چنین در مقطعی از دوره‌ی صفویه، اصطلاح «فیض آثار»، با همان مفهوم احترام‌آمیز، برای موقوفات سلطنتی چهارده معصوم به کار رفته است. (طلایی، ۱۳۹۷: ۱۲۰)

بدین ترتیب، با گذشت زمان، ترکیب دو اصطلاح «سرکار» و «فیض آثار» به گونه‌ای احترام‌آمیزی، در بیان اماکن متبرکه امامان و بزرگان دینی در اسناد و مکاتبات رسمی و اداری، استفاده شده است.

۳.۳. سرکار فیض آثار

اصطلاح «سرکار فیض آثار»، در متن اصلی تذکره‌الملوک نام پر تشریفاتی است برای سازمانی که

این منبع دیوانی عصر صفوی هیچ توضیحی راجع به آن نمی‌دهد، جز در جایی که اشعار می‌دارد این دایره، سپرده کف کفایت صدر^۱ خاصه بود. شاید یکی از علل این بوده است، که این اصطلاح به‌عنوان یک منصب خاص عمومیت نداشته و اختصاص به موارد ویژه‌ای داشته است، که در برخی قسمت‌ها، کاربرد داشته است. این اصطلاح به شکل محدود و تحت عنوان وزیر و مستوفی «سرکار فیض آثار» آمده است. (سمیعا، پیشین: ۱۴۶ - ۱۴۷) در کتاب عالم آرای صفوی، سخن از میرزا شکرالله نامی است که در زمان سلطنت شاه اسماعیل دوم، وزیر اعظم گردید و سلطان محمد خدا بنده او را به وزارت و ممیزی خراسان و در عین حال، تولیت «سرکار فیض آثار»، گمارده بود. در صورتی که منظور از این عبارت آن باشد که وی متولی حرم رضوی در مشهد گردیده است، ارتباطی میان «سرکار فیض آثار» و املاک متعلق به آستانه رضوی پیدا می‌شود. (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۴۷)

بنابراین، «سرکار فیض آثار»، ارتباط ناگسستگی با اماکن متبرکه، پیدا می‌کند و به مرور زمان، «سرکار فیض آثار» لفظ احترام‌آمیزی شد، که برای زیارت‌گاه‌های مهم دوره‌ی صفویه، در مشهد، اردبیل و قم به کار رفت. هم‌چنین در آستانه‌ی مشهد «سرکار فیض آثار»، اصطلاحی است که در سربرگ بسیاری از فرمان‌ها و اسناد آستانه رضوی نوشته شده است. (شهیدی، ۱۳۹۷: ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۵۰)^۲

هر چند مراد از «سرکار فیض آثار» در این مقال، حرم رضوی است؛ ولی شامل بقاع متبرکه‌ی دیگر، هم می‌شد. (ترکمان، ۱۳۸۲: ۲، ۱۰۵۲) هم‌چنین استفاده از اصطلاحاتی همانند «قبه فیض آثار»، «مزار فیض آثار»، «گنبد فیض آیین» و واژگان این چنینی متداول بود؛ ولی صفویان، با یک هوش‌مندی بالا «سرکار فیض آثار» را مورد استفاده و تاکید قرار دادند. این اصطلاح به‌معنای کسی است که برتر و والاتر از دیگران و منبع بخشش، عطایا و کراماتی است، که مردم باید به آن توسل و تاسی کنند و در همین راستا، آنان افرادی هستند، که دارای معجزات و نشانه‌های بیرونی هستند. بنابراین، در دوره‌ی صفوی، سرکار فیض آثار رضوی به‌عنوان نمادی از مشروعیت و تاکید بر نسب مشترک با امامان و تشیع اثنی‌عشری که عالمان، آن را رهبری می‌کند و سازمانی که دارای تشکیلات منسجم اداری بود، تحت عنوان «سرکار فیض آثار»، مطرح گردید و برای اماکن متبرکه مهم همانند حرم رضوی تثبیت شد.

۱. صدر، رییس تمام مقامات و متصدی تمام موقوفات مذهبی بود که همواره تاکید می‌شد وی فردی سید، فرهیخته و اسوه رفتاری و مدیری مجرب باشد. (فلور، ۱۳۹۰: ۹۶)

۲. این اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی را نشان می‌دهد که در آن‌ها فرامین حکومتی خطاب به مقامات عالی رتبه و نیز فرمان‌های متولیان سرکار فیض آثار در مواردی هم‌چون: انتصاب، مواجب، نحوه اداره موقوفات و غیره است.

۴. اهمیت «سرکار فیض آثار رضوی»

در نگاه اسلامی و به‌ویژه، در تفکر شیعی، حرمت ویژه‌ای برای اماکن متبرکه وجود دارد. این اماکن مقدس، همواره، تجلی آرمان‌های بشری هستند که در قالب باورها و اعمال مذهبی نمود پیدا می‌کنند. (عسگری، ناسخیان و ایزدی، ۱۳۹۸: ۲۲) منصب «سرکار فیض آثار» همواره، در اختیار پادشاه وقت بود و آن را به افرادی که دارای ویژگی‌ها و صلاحیت‌های دینی، علمی، اخلاقی و از خاندان‌های برجسته اشراف و سادات بودند، تفویض می‌کرد. با بررسی اسناد مختلف اداری حرم رضوی مشخص می‌گردد؛ که آستان قدس رضوی دارای تشکیلات دیوانی، اداری منظم و حساب شده‌ای متأثر از حکومت مرکزی تحت عنوان «سرکار فیض آثار» بوده است. (شهیدی، پیشین: ۷) این تشکیلات شامل نحوه‌ی اداره و مدیریت موقوفات، کارکنان، مهمان‌سرا، دارالشفاء، کتاب‌خانه و همه قسمت‌های اداری دیگر سرکار فیض آثار رضوی می‌شد و در رأس این تشکیلات، متولیان در واقع نماینده‌ی حاکمیت مرکزی بودند.

با توجه به اهمیت فراوان حرم رضوی، شاهان صفوی حتی فراتر از انتصاب‌های معمول کارگزاران حکومتی، نسبت به انتخاب متولیان شایسته و بایسته اقدام می‌کردند و این مهم تنها در اختیار پادشاه بود و در مواقعی هم که پادشاه در شرق کشور حضور داشت، خودش، متولی این منصب بود و به امور حرم رضوی مستقیم رسیدگی می‌کرد. در این مواقع، این مکان تبدیل به مقر حکومتی و پایتخت سیار صفویان می‌شد و انتصاب‌های مختلفی در حرم رضوی انجام می‌گرفت. (منجم، ۱۳۶۶: ۱۷۱ - ۱۷۵) افتخار خادمی «سرکار فیض آثار» به اندازه‌ای بود که بزرگان و عالمان، انتساب آن را مایه‌ی افتخار خود می‌دانستند. نویسنده کتاب «القباب و مواجب دوره سلاطین صفویه» می‌نویسد:

«فضیلت و نجابت و رفعت و اقبال شاه عالی‌جاه مقرب الخاقانی غلامزاده و بنده نیک اختر زینا لقب وزیر لفضیله و النجابت و الرفعه و الاقبال، میرزا علی نصیری خادم آستانه مقدسه منوره متبرکه که عرش درجه رضویه...» (نصیری، ۱۳۷۱: ۲۷)

از این‌ها گذشته، هر چیزی که متبرک به حرم رضوی می‌شد، دارای ارزش و اهمیت فراوان بود. در یک مورد، بنابر نوشته خواجگی اصفهانی: «... شخصی [کتابی] از مشهد رضیه رضویه علیه التحیه و الثنا، به جهت تیمن و تبرک به اشاره آن حضرت آورده، نواب اشرف [شاه صفی] از روی صدق و عجز و نیاز به استقبال آن مبادرت کرده، به طواف شقه آن طراز مباحثات کرد.» (خواجگی اصفهانی، پیشین: ۹۶ - ۹۷)

متولیان «سرکار فیض آثار» هم در این دوره، جایگاه و اهمیت فراوانی داشتند و در برخی موارد در تحولات سیاسی هم نقش بازی می‌کردند. در سال ۹۵۶ ق، میر عبدالعظیم متولی از جانب شاه طهماسب مامور مذاکره با القاص میرزا، برادر شورشی شاه گردید. هم‌چنین عالمان و سادات «سرکار

فیض آثار» در تحولات مهم سیاسی مشهد نقش داشتند. در سال ۱۱۳۵ ق، هنگامی که اصفهان در محاصره‌ی افغان‌ها بود، محمد امین آقا و محمد تقی آقا کلاوند و میرزا ابوالحسن صاحب نسق «سرکار فیض آثار» برای برقراری نظم و امنیت در شهر مشهد و جلوگیری از حمله افغان‌ها، علی قلی خان بیگلر بیگی سابق را دوباره به حکومت منصوب کردند. (دهقانی، ۱۳۹۸: ۱۴۸ - ۱۴۹)

«سرکار فیض آثار» در این دوره، محدود و منحصر به هیچ گروه یا طبقه‌ی خاصی، نبوده است و شیفتگان امام هشتم شامل همه‌ی گروه‌های اجتماعی از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح اجتماعی را در بر می‌گرفت و به عنوان یک محور و قطب، همه‌ی افراد جامعه را به خود جلب می‌کرد و موجب رضایت و امیدواری روحی در سطح فردی و اجتماعی و موجب نوعی هویت جمعی و پیوندهای اجتماعی می‌گردید. (ابوالبشری، ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۳) به گفته‌ی کمپفر، بزرگان و رجال مملکت همه پیش‌بینی‌ها را می‌کردند که پس از مرگ، آن‌ها را در جوار حرم رضوی دفن کنند. (کمپفر، ۱۳۵۰: ۱۷۹) ورود به حرم رضوی دارای آداب و رسوم خاصی بود. شاردن ورود غیر مسلمان اعم از مسیحی، یهودی و بی‌دین را به همه اماکن مقدس ممنوع می‌داند؛ اما در عین حال یادآور می‌شود که با پوشیدن لباس ایرانی و هم‌چنین دانستن زبان فارسی، امکان ورود به این اماکن وجود دارد. (شاردن، ۱۳۹۳: ۴، ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶) بنابراین، سرکار فیض آثار رضوی با ظهور حکومت صفویان، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم مشروعیت‌زایی با تأکید بر نسب مشترک برای صفویان دارای اهمیت فراوان بود.

۵. زیارت سرکار فیض آثار رضوی، سنتی شیعی

زیارت حرم رضوی، در این دوره، با یک رویکرد جدی و متفاوتی همراه شد. نگاه حاکمان صفوی به بقاع متبرکه ابتدا با یک گرایش ایدئولوژیکی همراه بود که به دنبال مشروعیت هم بود که البته پس از مدتی، رویکرد سیاسی هم به آن اضافه گردید.

شاه اسماعیل اول، به‌عنوان بنیان‌گذار سلسله صفوی، برای مشروعیت اقدامات خود همواره از هر فرصتی برای زیارت حتی در سفرهایی که عازم جنگ با دشمنان بود، استفاده می‌کرد و به نوعی مشروعیت اقداماتش در جنگ با دشمنان سنی را از سرکار فیض آثار می‌گرفت. در سال ۹۲۶ ق، قبل از جنگ با شیبک خان، عازم زیارت حرم رضوی شد و از امام رضا^(ع) استمداد طلبید. (حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۱۶) تا بر هویت شیعی «سرکار فیض آثار رضوی»، بار دیگر، تأکید کند. علاوه بر همه‌ی این‌ها توجه به «سرکار فیض آثار رضوی»، به‌گونه‌ای حاکی از اقتدار و تثبیت پادشاه بود و نشانی از مشروعیت صفویان با تأکید بر نسب مشترک در مواقع گوناگون به حساب می‌آمد. از آن جمله در موقعیت‌های

خطرناک پشتوانه‌ای برای دل‌گرمی و روحیه بخشیدن به مردم و سربازان بود. در سال ۹۳۵ ق، شاه طهماسب اول، نیز قبل از جنگ با عبیدالله خان ازبک، راهی زیارت حرم رضوی شد و از امام هشتم استمداد طلبید. (جناب‌دی، پیشین: ۱۹) در همین جنگ، هنگامی که سپاهیان قزل‌باش در جنگ رو به هزیمت، نهادند. بنابر نقل افوشته‌ای نطنزی، شاه طهماسب پس از متفرق شدن سپاه:

«... روی توجه به جانب مشهد مقدس کرده، جبین ضراعت و ابتغال بر خاک نهاد و با رقت قلب و زبان نیاز، از کریم کارساز، استیصال مخالفان و استقلال غازیان و موافقان، از حضرت شاه خراسان استشفاع کرده و بعد از زمانی دیر که آثار اجابت و شفاعت به ظهور رسید، سر از زمین برداشته، به حاضران گفت؛ که نوعی کنید که سپاه پراکنده ما مجتمع گردند که حضرت امام رضا علیه التحیه و الثنا سلطنت بما داد.» (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۳)

اطرافیان‌ش نزدیک هفت، هشت هزار نفر از سپاهیان را جمع‌آوری و با دشمن مقابله کردند. پس از این پیروزی، شاه طهماسب به زیارت امام رضا^(ع) رفت و به شکرانه‌ی این پیروزی، گنبد «سرکار فیض رضوی» را مطلقاً ساخت. (همان: ۱۴ - ۱۵)

در خصوص علل توجه ویژه‌ی شاهان صفوی به مقوله‌ی زیارت، معطوف به «سرکار فیض آثار رضوی»، نظریات مختلفی دیگری نیز وجود دارد که یکی دیگر از آن‌ها، توجه در راستای سیاست‌های اقتصادی دوره شاه عباس است. (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۱۹۰؛ ژورنیت، ۱۳۷۰: ۱۰۸) البته جا به‌جایی شهرهای مقدس عتبات عالیات میان ایران و عثمانی طی کشمکش‌های مختلف و آزار و اذیت زوار ایرانی، به علاوه‌ی تحمیل هزینه‌های گزاف هم‌بی‌تاثیر نبود.

در این دوران حرم رضوی به‌عنوان مأمن تنها امام معصوم و مدفون در ایران که دارای نسب مشترک با صفویان بود، ارزش و اهمیت فراوانی داشت. این مساله از دید ناظران خارجی هم دور نمانده و به‌عنوان یکی از پایه‌های مشروعیت پادشاهان صفوی قلمداد شده است. در این باره کمپفر می‌نویسد:

«شاه صفوی قدرتی از نوع دیگر دارد... تقدسی که فطری است و با تولد شاه همراه است، روایت است که وی آن را از اصل و نسب خود که به محمد پیامبر^(ص) می‌رسد، دارا شده است.» (کمپفر، پیشین: ۱۴) بنابر نوشته‌ی تاورنیه، مرقد امام رضا^(ع) در مشهد، میان ایرانیان تقریباً همان احترامی را دارد که مرقد محمد^(ص) دارد. (تاورنیه، پیشین: ۸۷) اولتاریوس هم از حرم رضوی به‌عنوان زیارت‌گاه کلیه مردم ایران یاد کرده است. (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۲، ۵۹۷)

به نوشته‌ی کشیشان ژورنیت:

«آرامگاه امام رضا^[ع] یکی از دوازده نفر مقدسان خاندان علی^[ع] است و ایرانیان وی را به اندازه‌ی پیامبر^[ص] خود گرامی می‌دارند و می‌اندیشند، که مجبورند در طول عمرشان همان طور که به مکه می‌روند، یک بار به زیارت مرقد او بروند.» (ژورنیت، پیشین: ۲۱۰)

البته برخی از این زیارت‌ها در تاریخ ماندگار شده است؛ از جمله زیارت شاه عباس در سال ۱۰۱۰ ق، که برای ترغیب و تشویق و تأکید بر افتخار نسب مشترک با امام هشتم و مشروعیت اقداماتش، با پای پیاده به همراه ملا جلال عازم زیارت حرم رضوی گردید که در نهایت بیست و هشت روز طول کشید. (منجم، پیشین: ۱۲) میرزا محمد معصوم، هم در این باره می‌نویسد:

«الحق از بدایت ظهور اسلام تا این ایام، هیچ یک از سلاطین اعظام توفیق پیمودن این طریق، که جز به پای تحقیق اقدام بدان نتوان کرد. نیافته و تا حال بر فضای خاطر و خیال هیچ احدی از خواقین کرام مهر پوییدن این سعادت زیارت، که بی‌دست یاری تأیید به آن کرامت نتوان رسید.» (معصوم، ۱۳۷۱: ۴۴)

علاوه بر این، پادشاهان صفوی، برای فراگیر کردن این سنت شیعی، اقداماتی در راستای ایجاد تسهیلات فراوان برای تشویق زیارت سرکار فیض آثار رضوی، هم‌چون: ایجاد راه‌های ارتباطی، ساختن کاروان‌سراها و اسکان زائران، اختصاص موقوفات فراوان و کارهای فرهنگی در سرکار فیض آثار رضوی، تلاش‌های فراوان کردند.

۶. انتساب معجزات به سرکار فیض آثار رضوی

انتساب معجزات به «سرکار فیض آثار»، یک بعد دیگر اهمیت آن را نشان می‌دهد. حسینی خاتون آبادی می‌نویسد:

«در سنه‌ی هزار و یکصد و بیست و دو عبیدالله از بخارا قصد تسخیر خراسان داشت که [به معجزات حضرت امام ثامن ضامن، سبب اندک نزاعی که بین طوایف سپاه روسیاه ازبک واقع شد تا او را پاره کردند و این منشأ شد که سپاه با یکدیگر نزاع کرده، جمعی کثیر کشته شدند.» (حسینی خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۶۰)

بدین ترتیب، ازبکان از حمله به مشهد ناکام ماندند. در بیش‌تر منابع این عصر انتساب معجزات به «سرکار آثار رضوی» و طلب شفای بیماران قابل مشاهده است. در دیوان محتشم اشعار فراوانی در این مورد یافت می‌شود:

یک شفاعت می‌تواند کرد درمان همه	حال بیماران عصیان است زار اما ز ما
بیش تر کار گناه کاران در ایام تو ساخت	طول ایام شفاعت کم نبود، اما خدا
مغفرت را بسته حق در کار بر درگاه تو	در تسلی کاری ذات شفاعت خواه تو

(محتشم کاشانی، ۱۳۸۷: ۶۷)

شاه عباس، با انتشار معجزات و کرامات زیادی که در حرم رضوی اتفاق می‌افتاد، مردم و بزرگان را متقاعد کرد که احترام ویژه‌ای برای امام هشتم^(ع) قایل شوند و فقط به زیارت مشهود بروند و همه پیش‌کش‌های خود را به آن‌جا ببرند. (تاورنیه، پیشین: ۱۹۱) بنابر نقل اولناریوس یکی از اختلافات ایرانی‌ها و ترکان عثمانی، در معجزاتی است، که به مقدسین نسبت می‌دهند. (اولناریوس، پیشین: ۲، ۷۵۵)

نویسنده «نورالمشرقین» ضمن توصیف مشهود، به معجزات امام رضا^(ع) اشاره می‌کند:

ز اعجاز رضا امام معصوم بسیار حکایت است مرقوم

در ادامه، امام هشتم^(ع) را وارث کرامات امامان معصوم^(ع) بیان می‌کند. (ثانی، ۱۳۷۷: ۱۶ - ۱۵۰)

علمی که به شاه اولیا بود	آن جمله به رضا بود
فضل حسن و حسین و سجاد	ایزد به امام هشتمین داد

(همان: ۱۵۰)

انتساب معجزات، همواره داخل حرم رضوی رخ نمی‌داد؛ در حکایتی از یکی از مشایخ نقل شده است، هنگامی که وی در راه بازگشت از زیارت مشهود در شبی تاریک راه را گم کرد. یک فرد عربی، گویا حضرت صاحب الامر وی را به راه اصلی راهنمایی می‌کند و ناگهان ناپدید می‌گردد. این فرد وقتی متوجه می‌شود، هر چه گریه و زاری می‌کند، دیگر فایده‌ای حاصل نمی‌شود. (جعفریان، ۱۳۷۹: ۳، ۱۰۵۲) بدین ترتیب، علاوه بر انتساب معجزات به «سرکار فیض آثار رضوی» همزمان اقدامات فرهنگی در راستای ترویج و توسعه‌ی تشیع اثنی عشری در الویت قرار گرفتند.

۷. اقدامات فرهنگی در حرم رضوی

در این دوران، حرم رضوی نه تنها به‌عنوان مرقد امام هشتم، بلکه به‌مثابه‌ی پایگاه مهمی برای تبلیغ و ترویج تشیع اثنی عشری در کانون توجه صفویان بود. آنان از روش‌های گوناگونی برای این هدف استفاده کردند و در این راه از توان و ظرفیت‌های مردمی، عالمان، بزرگان، اشراف و سادات

بهره بردند و برای الگو، خود اقدامات زیادی در این زمینه انجام دادند.

هم چنین توجه به مبانی اعتقادات شیعی مورد تاکید قرار گرفت و در این بین یکی از نیازهای مورد توجه، آداب زیارت بود. به نوشته کتاب «جامع عباسی»: «توجه خاطر شاه عباس صفوی، به انتشار مسایل دینی و اشتها معارف یقینی مصروف و معطوف شد، تا شیعیان و غلامان حضرت علی^(ع) عارف به مسایل دین مبین و واقف بر احکام حضرات امامان معصوم گردند»

یکی از این احکام مربوط به نحوه زیارت پیامبر اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) و ایام ولادت و وفات ایشان بود. (حسینی عاملی، پیشین: ۲) و در این بین، زیارت امام هشتم^(ع) به دلیل قرار گرفتن داخل قلمرو صفویان، مورد توجه ویژه قرار گرفت.

«سرکار فیض آثار رضوی»، در این دوران به عنوان یکی از مکان‌های مهم مورد علاقه مردم برای اقدامات فرهنگی و گسترش فرهنگ تشیع اثنی عشری و تربیت افرادی با مبانی اعتقادی شیعیان بود. در جوار این مکان، مکتب‌خانه‌هایی برای تربیت دانش‌پژوهان علوم دینی تاسیس و گسترش پیدا کرد. سندی از این دوره، هزینه‌های مکتب‌خانه «سرکار فیض آثار رضوی» را شرح می‌دهد که به هزینه‌ها و گزارش حضور و غیاب آن اختصاص یافته است. (ساکماق، ۳۵، ۱۹۲۱۶؛ ۱، ۱۹۲۱۶)

با تاسیس مدارس دینی، عالمان بسیاری از مناطق مختلف جهت تدریس به شوق هم‌جواری با سرکار فیض آثار رضوی، در این مدارس، مشغول تحصیل و تدریس شدند و آثار فرهنگی هم‌چون: کتابت در جوار حرم رضوی رونق گرفت. (رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۵۶) مدرسی «سرکار فیض آثار» به اندازه‌ای مهم بود که حکم وی توسط پادشاه وقت صادر و مقرر در نظر گرفته می‌شد. (شهیدی، پیشین: ۱۱۹) هم‌چنین جای جای این مکان به نام نامی امامان هدی منقوش، رئوس منابر مزین و محلی به ذکر این بزرگواران اختصاص گردید. (حسینی عاملی، پیشین: ۱۱۶)

از این‌ها گذشته، هر ساله، روز ولادت امامان و به‌خصوص، امام رضا^(ع)، جشن‌ها و آیین‌های با شکوهی برپا و وعظ در بیان فضایل و کرامات امام هشتم^(ع)، سخنرانی می‌کردند. (غلامرضایی، ۱۳۹۶: ۶۹) از طرف دیگر، برگزاری مراسم سوگواری، مرثیه سرایی و مجالس روضه خوانی با ظهور شاعران بزرگ این دوره، محتشم کاشانی و ملاحسین کاشفی، مصنف «روضه الشهداء» در اماکن مقدس همانند حرم رضوی، رونق فراوان گرفت و با تشکیل دسته‌های بزرگ عزاداری در اعیاد گوناگون، به‌خصوص، در ایام محرم، مقصد همه آنان اماکن متبرکه مذهبی گردید.

این مکان در ذهن و باور مردم چنان تقدس داشت، که هرگونه بی‌احترامی به آن دارای مجازات

فراوان بود. هر انسان مومن و مقید، مراتب احترام و وفاداری خود را نسبت به این مکان از دور دست نشان می‌داد و با آداب خاصی وارد حرم می‌شد. زایران می‌بایست، بدون اسلحه و با پای برهنه و در عین حال با رعایت کامل تکریم وارد می‌شدند (عسگری، ناسخیان و ایزدی، ۱۳۸۹: ۲۶) و این احترام از فاصله زیاد حتی در هنگامی که حرم اندکی در شعاع دید قرار می‌گرفت، با توجه، تعظیم و ارادت همراه بود. ذهن و زبان عامه پر از حکایات و خاطراتی بود که احترام و اغراق این‌گونه اماکن را باور پذیرتر می‌کرد. (موسی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴) اقدامات پادشاهان صفوی، در این باور عمومی و تثبیت آن، بسیار موثر بود. در این مکان، سوگند خوردن برای عموم مردم بسیار مقدس بود و شکستن این نوع قسم‌ها، قبح شدیدتری از اماکن متبرکه دیگر، داشت. ترکیب محتوای سوگند با موقعیت زمانی و به‌ویژه مکانی در حرم مطهر رضوی تاثیر و استحکام و ضمانت بیشتری به آن می‌بخشید و عموم مردم بیش‌تر به آن پای‌بند بودند. (همان، ۱۵۰)

با تلاش صفویان، زیارت «سرکار فیض آثار رضوی»، در این دوران تبدیل به یک خواسته و فرهنگ عامه شد؛ تا آن‌جا که آرزوی هر مومنی، زیارت این مکان بود. این اقدام به اندازه‌ای مهم و مقدس بود که به کسانی که از این سفر باز می‌گشتند؛ لقب «مشهدی» می‌دادند و اگر کسی این افراد را بدون این عنوان صدا می‌زد، نوعی بی‌احترامی به آن شخص بود. افرادی هم که به این سفر زیارتی می‌رفتند، پس از بازگشت، مجالس با شکوهی برگزار و مهمانان بسیاری دعوت می‌کردند که در کسب موقعیت، جایگاه و منزلت اجتماعی آنان بسیار موثر بود و یک افتخار محسوب می‌شد. (همان: ۱۵۴ - ۱۵۶) هم‌چنین به کسانی که از زیارت حرم مطهر رضوی باز می‌گشتند؛ زیارت قبول می‌گفتند. (همان: ۱۴۲) بدین ترتیب، صفویان علاوه بر اقدامات دیگر در راستای گسترش و رونق «سرکار فیض آثار رضوی» با همدلی و کمک عالمان و بزرگانی همانند محتشم کاشانی، صایب، حزین لاهیجی، عاملی بهایی و علامه مجلسی، اقدامات زیادی در خصوص بیان اهمیت و جایگاه سرکار فیض آثار رضوی، به رونق هرچه بیش‌تر زیارت حرم رضوی کمک کردند.

نتیجه‌گیری

برایند تحقیق و پژوهش نشان می‌دهد: «سرکار فیض آثار رضوی»، به‌عنوان یک منصب و ابزار مهم و حیاتی برای مشروعیت حاکمان صفوی، در راستای احیای هویت تشیع اثنی عشری بسیار ارزش‌مند بوده است. ظهور صفویان به‌عنوان حکومتی با ایدئولوژی تشیع اثنی عشری و جهت‌گیری مذهبی، در شرایطی روی داد که امپراتوری سنی عثمانی، داعیه‌دار خلافت بر جهان اسلام بود و تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست، یک رقیب شیعی را تحمل کند. شیعیان که پس از قرن‌ها انتظار، حکومت صفویان را به‌مثابه‌ی، یک فرصت مغتنم می‌شمردند، شروع به بازسازی و احیای مجدد سنت‌های شیعی کردند. یکی از این سنت‌ها، توجه به زیارت «سرکار فیض آثار رضوی» بود. از طرف دیگر، حاکمیت جدید، همواره، در صدد کسب مشروعیت بیشتر و به دنبال راه‌کارهایی برای تحقق این گفتمان بود. ادعای نسب مشترک با امامان، این فرصت را در اختیار حاکمان جدید قرار داد، تا با استفاده از ظرفیت‌های بالای «سرکار فیض آثار رضوی»، کمک شایانی به انسجام مذهبی و اجتماعی گروه‌های مختلف جامعه انجام دهند و زندگی همه‌ی افراد جامعه را تحت تاثیر قرار داد تا مشروعیت خود را به‌منصه ظهور برسانند.

منابع و مأخذ

الف. کتاب‌ها

۱. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۲. الثاریوس، آدام (۱۳۶۹)، سفرنامه آدام اولثاریوس، ترجمه حسین کردبچه، [بی‌جا]، شرکت کتاب برای همه، چاپ اول.
۳. بیات، اروج بیگ (۱۳۳۸)، دون ژوئن ایرانی (با حواشی و یادداشت‌هایی از لسترنج)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
۴. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۹)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید اریاب شیرانی، تهران، انتشارات نیلوفر.
۵. ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، ۲ ج، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۶. ثانی، عبدالله (بهشتی هروی) (۱۳۷۷)، نور المشرقین؛ سفرنامه منظوم از دوره‌ی صفوی، با مقدمه، تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۸. جنابادی، میرزا بیگ بن حسن (۱۳۷۸)، روضه‌الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول.
۹. حسینی خاتون آبادی، سید عبدالحسین (۱۳۵۲)، وقایع السنین و الاعوام (گزارش‌های سالیانه از ابتدای خلقت تا سال ۱۳۹۵ هجری)، با مقدمه سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و آیت‌الله شیخ ابوالحسن شعرانی، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ اول.
۱۰. خواجگی اصفهانی، محمد بن معصوم (۱۳۵۸)، خلاصه السیر؛ (تاریخ روزگار شاه صفی صفوی)، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول.

۱۱. خواند میر، امیر محمود (۱۳۷۰)، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب السیر)، تصحیح و تحشیه محمد علی جعفر جراحی، تهران، نشر گستره، چاپ اول.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۵)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: سید جعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۳. رنجبر، محمد علی (۱۳۸۹)، مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی، شیراز، انتشارات کوشا مهر، چاپ اول.
۱۴. روملو، حسن بیگ، (۱۳۸۴)، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
۱۵. ززوئیت، کشیشان (۱۳۷۰)، نامه‌های شگفت انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه، ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی، تهران، موسسه علمی اندیشه جوان، چاپ اول.
۱۶. شاردن، ژان (۱۳۹۳)، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس، چاپ دوم.
۱۷. شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱)، قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن نصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۸. شهیدی، حمیده (۱۳۹۷)، فرمان‌های آستان قدس رضوی در دوره صفویه (پروانچه‌ها، ارقام و تعلیقچه‌ها)، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۹. صفت گل منصور (۱۳۸۸)، فراز و فرود صفویان، تهران، انتشارات اندیشه جوان وابسته به موسسه کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
۲۰. طهماسب، (۱۳۴۳ ش)، تذکره شاه طهماسب؛ شرح وقایع و احوالات زندگانی شاه طهماسب صفوی به قلم خودش، تصحیح عبدالشکور مدبر، تهران، نشر چاپخانه کاویانی، چاپ اول.
۲۱. غلامرضایی، علی (۱۳۹۶)، کارنامه شاه عباس اول صفوی، با ویرایش معصومه گیلان محسنی و مریم حیدری‌پور، تهران، انتشارات دافوس، چاپ اول.
۲۲. فلور، ویلم (۱۳۸۵)، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمه‌ی حسن زندیه، قم، انتشارات پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.

۲۳. کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه‌ی کیکاوس جهان‌داری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
۲۴. محتشم کاشانی، علی بن احمد (۱۳۸۷)، دیوان محتشم کاشانی، تصحیح احمد بهاروند، تهران، انتشارات نگاه، چاپ چهارم، نشر (دیجیتالی مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان).
۲۵. مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل بن داوود (۱۳۶۲)، مجمع التواریخ: در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ هجری قمری، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ اول.
۲۶. معصوم، میرزا محمد (۱۳۵۱)، تاریخ سلاطین صفویه، سعی و اهتمام سید امیر حسین عابدی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۲۷. معین، محمد (۱۳۵۵)، فرهنگ فارسی معین، (دوره تک جلدی)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۸. منجم، ملا جلال‌الدین (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، انتشارات وحید، چاپ اول.
۲۹. میرزا سمیعا، محمد سمیع (۱۳۸۷)، تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
۳۰. _____ (۱۳۷۸)، تذکره الملوک و سازمان اداری حکومت صفوی، یا تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
۳۱. نصیری، محمد ابراهیم بن زین‌العابدین (۱۳۷۳)، دستور شهریاران (سال‌های ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۰ ش، پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی)، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول.
۳۲. نویسنده نامعلوم (۱۳۶۳)، عالم آرای صفوی، تصحیح یدالله شکری، تهران، موسسه انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۳۳. نویسنده نامعلوم (۱۳۹۱)، عالم آرای شاه اسماعیل مقدمه و تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی)، چاپ سوم.

۳۴. نویسنده نامعلوم (۱۴۰۰)، جهان‌گشای خاقان، به کوشش نعمت احمدی و نیلوفر جعفری، با مقدمه دکتر رضا شعبانی، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
۳۵. واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲)، خلد برین (ایران در روزگار صفویان) به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ دوم.

ب. اسناد

۳۶. اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی رضوی با شماره‌های، ۱۹۲۱۶/۳۵؛ ۱/۱۵۵۵۸۹.
۳۷. کتاب‌خانه دیجیتال ملی، آرشیو ۶۶۵ ب ۴ الف راه، میکروفیلم شماره ۷/۳۶۲.

ج. نسخ خطی و پایان نامه‌ها

۳۸. عاملی، بهاء‌الدین، [بی‌تا]، جامع عباسی، تهران، کتاب‌خانه ملی ملک، شماره بازیابی، ۲۰۱۷۴۵۶۷۴.
۳۹. کرمی، مریم (۱۳۹۳)، بررسی جایگاه اماکن مذهبی از منظر طبقات حاکمه عصر صفوی، (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اراک).

د. مقالات

۴۰. ابوالبشری، پیمان و ابراهیمی، آمنه (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر تاریخ نذورات آستان قدس رضوی از صفویه تا قاجاریه»، مجله علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، شماره ۵۹، صص ۵۵ - ۶۳.
۴۱. بلوردی، طیبه، زهیر، مصطفی و غیوری، مهدیه (۱۳۹۲)، «تحلیل جامعه‌شناسی رابطه دین‌داری با سلامت روان در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان»، فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۹، صص ۴۷ - ۶۲.
۴۲. دهقانی، مهدی (۱۳۹۸)، «پیوند معنوی پادشاهان صفوی با امام رضا»، فصل‌نامه علمی فرهنگ رضوی، سال هفتم، زمستان دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱۳۵ - ۱۵۵.
۴۳. طلائی، زهرا (۱۳۹۷)، «تأملی در اصطلاح سرکار فیض آثار»، پژوهش‌نامه اسنادی و آرشیوی، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۲ - ۱۲۲.

۴۴. _____ (۱۳۹۷)، «سیاست مذهبی صفویان و پیامدهای آن در توسعه موقوفات حرم امام رضا»، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)، معاونت پژوهش و فناوری اصفهان، سال پنجاه و چهارم، جدید سال دهم، شماره اول (پیاپی ۳۷)، صص ۱۲۹ - ۱۵۲.
۴۵. عسگری، نسیم، ناسخیان، شهریار و ایزدی، محمد سعید (۱۳۹۸)، «خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس با استناد به سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۳۸، دوره ۱۰، زمستان، صص ۲۱ - ۹۱.
۴۶. محبوب فریمانی، الهه (۱۳۹۷)، «بررسی فرمانی از عصر صفوی در مورد شیوه پرداخت وظیفه در مشهد»، پژوهش‌نامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۷۷ - ۱۰۷.
۴۷. موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۹)، «فرهنگ دینی در زبان و نشانه‌شناسی روزانه مردم ایران در دوران صفوی - قاجاری»، نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان، صص ۱۳۱ - ۱۶۵.